

بررسی فقهی حکم آموزش‌های مجازی ضد دینی

نویسنده: دکتر محمد مهدی محب الرحمان (ایران)^۱

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۷/۰۷

دریافت: ۱۳۹۶/۰۲/۱۴

چکیده

پژوهش حاضر، پاسخ فقهی به این مسئله بود که آیا دولت اسلامی در دوران غیبت یا اشخاص حقیقی، حق و اجازه شرعی را دارند تا صفحات وب، تلویزیون‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی مجازی که در پی آموزش‌های غیر دینی و یا ضد دینی هستند را فیلتر کرده و مسدود نمایند؟ بر اساس این پژوهش، می‌توان نتیجه گرفت اصل اولی، حرمت منع کردن دیگران از دسترسی به صفحات وب، تلویزیون‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی مجازی است؛ اما با علم به منکر بودن صفحات وب، تلویزیون‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی مجازی در صورتی که ضرر و مفسده‌ای از فیلتر کردن در میان نباشد، فیلتر کردن و منع دیگران از آموزش‌پذیری و دسترسی به این صفحات، تلویزیون‌ها و شبکه‌ها، لازم می‌شود. **واژگان کلیدی:** آموزش مجازی، تلویزیون ماهواره‌ای، شبکه‌های اجتماعی مجازی

مقدمه

آموزش مجازی و آنلاین پس از رونق اینترنت و افزایش نفوذ آن میان مردم کاربرد و اهمیت زیادی پیدا کرد؛ لذا سازمان‌ها و دانش‌پذیران زیادی برای استفاده از آموزش مجازی علاقه نشان دادند که این مقوله به یک حوزه رو به رشد تبدیل شد.

در این میان، نهادها و مؤسسات آموزشی ضد دین نیز که امکان فعالیت حضوری در کشورهای مسلمان - به‌ویژه ایران - را پیدا نکرده‌اند، از این فرصت استفاده کرده و پایگاه‌های مختلفی را با هدف آموزش‌های ضد دینی و یا تبلیغات دینی - مانند مسیحیت - به‌صورت مجازی راه‌اندازی کرده‌اند.

۱. طلبه سطح ۴ گروه فقه و اصول، حوزه علمیه، قم، ایران، mohamad61.30@gmail.com

این پژوهش با درک اهمیت موضوع فیلتر- خصوصاً با توجه به شیوع پایگاه‌های تبلیغاتی و آموزشی ضد دینی- در پی پاسخ به این پرسش نهادهای دولتی و نیز متصدی فروش اینترنت است که:

- آیا می‌توان از نظر فقهی دلیلی بر وجوب منع دسترسی کاربران و فیلتر صفحات وب، تلویزیون‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی که در پی آموزش‌های مجازی ضد دینی هستند، اقامه کرد؟
- در صورت مثبت بودن پاسخ، این دلیل یا ادله کدامند؟

ساختار پژوهش

تحقیق و پژوهش در خصوص اصل فیلترینگ و منع دسترسی دیگران به صفحات وب، تلویزیون‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی که در جهت آموزش‌های ضد دینی به کار گرفته می‌شوند، همانند اصل موضوع آموزش مجازی، بحث جدیدی است که بحثی از ماهیت آن در آثار روایی و فقهی مشاهده نمی‌شود.

بر این اساس- در پژوهش حاضر- لازم است ابتدا به این سؤال پاسخ داده شود که:

- اصل اولی بر جواز فیلترینگ است یا حرمت آن؟

از آن‌جا که دریافت این اصل پژوهش مفصلی را می‌طلبد، این تتبع- صرفاً- به بیان نتیجه اکتفا کرده و تفصیل بحث را به پژوهش مجزای خود ارجاع می‌دهد؛^۱ اما در بخش دوم و پس از بیان اصل در مسئله، حکم فیلتر در موارد خاص- مانند آموزش‌های ضد دینی- بررسی شده است.

برای بیان ادله جواز عمومی فیلتر این پایگاه‌های آموزشی ضد دینی نیز موضوع بر موارد مشابه مثل کتب ضلال که در گذشته وجود داشته، تطبیق داده شده و از روایات و

متون فقه‌های بزرگی - از جمله شیخ مفید و شیخ طوسی تا آیت الله خویی و امام خمینی - در دو باب کتب ضلال و امر به معروف و نهی از منکر استفاده کرده است. در پایان نیز با توجه به احتمال ضرری که در بعضی از فروض فیلتر مطرح شده است، بحثی از لزوم اجازه از حاکم طرح شده است.

حکم اولی فیلترینگ

از آن جایی که فیلتر از مسائل مستحدثه به‌شمار می‌آید، این پژوهش برای دریافت اصل اولی از روش بحث در این‌گونه موضوعات استفاده می‌کند که ضمن تطبیق فیلتر بر منع دیگران از دسترسی که البته از راه‌های مجازی صورت می‌گیرد، سه دلیل از خلال کلمات دانشمندان متقدم و متأخر برای تعیین اصل اولی جستجو کرده که فیلترینگ و منع دیگران می‌تواند از آثار و مصادیق آن‌ها به‌حساب آید.

با پذیرش سه دلیل حرمت ایذاء مؤمن، حرمت ظلم و تجاوز به حقوق دیگران و حق تسلط انسان بر خود که بررسی تفصیلی آن در رساله‌ای دیگر آمده،^۱ می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. ایذاء، ظلم، منع کردن و تجاوز به حقوق دیگران، حرام است.
۲. فیلتر صفحات وب، تلویزیون‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز که مصداق آن دانسته می‌شود، ممنوع و حرام خواهد بود.
۳. منع کردن دیگران از دسترسی به اطلاعات و داده‌ها که دخالت در حق سلطنت شخص بر حقوق و نفسش به‌حساب می‌آید، حرام است.

بنابراین - اصل اولی در این مسئله - حرمت منع دسترسی دیگران به صفحات وب، تلویزیون‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی است.

دلایل وجوب فیلتر

۱. حرمت حفظ کتب ضاله

با توجه به این که سایت‌ها، تلویزیون‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی که با هدف آموزش ضد دینی به کار گرفته می‌شوند مصداق ضال و گمراه کننده هستند، ممکن است با استفاده از دلیل حرمت حفظ کتب ضاله بر وجوب منع دسترسی و فیلتر کردن این سایت‌ها، تلویزیون‌ها و شبکه‌ها استدلال شود؛ چرا که در هیچ‌یک از مستندات این حکم کلمه کتاب نیامده؛ بلکه صفت یا قید «لهو الحدیث»، «قول الزور»، «ظلم» - در استدلال عقلی - آمده که موضوع حکم را گسترش می‌دهد و همان‌طور که صاحب جواهر می‌آورد، مقتضای این ادله نیز عبارت است از: حرمت هر آن‌چه که در آن گمراهی باشد؛^۱ لذا بر صفحات وب، تلویزیون‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی ضاله قابل تطبیق خواهد بود.

هم‌چنین، این حکم اختصاصی به موضوع مسائل اعتقادی و مانند آن ندارد؛ بلکه هر امری که ضلال و فساد محض باشد را شامل می‌شود.^۲

در عین حال، حکم حرمت حفظ کتب کفر و ضلال مورد اختلاف برخی فقها واقع شده است؛^۳ بر فرض پذیرش این حکم، اشکال عمده این است که نهایت «ما استفاد من الأدلة»، حرمت حفظ، نشر، مراجعه، خواندن، استفاده و دیگر تصرفات در صفحات وب، تلویزیون‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی است که برای اهداف آموزش‌های ضد دینی به کار برده می‌شوند.

۱. نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۲، ص ۵۸.

۲. صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۲۹۳.

۳. ر. ک: محب‌الرحمان، ۱۳۹۵، ص ۸۱.

این ادله از اجبار و منع دیگران سخن نمی‌گوید؛ چون همان‌طور که محقق اردبیلی^۱ و صاحب ریاض به آن اشاره کرده‌اند،^۲ می‌توان پذیرفت که این ادله، منکر بودن را ثابت می‌کند؛ لذا نهی و منع دیگران از دلیل دیگری مثل نهی از منکر فهمیده شود.

۲. وجوب نهی از منکر

وجوب نهی از منکر مورد اجماع نزد مسلمانان بوده و از اعظم واجبات شمرده شده است؛^۳ حتی گاهی گفته شده از اصول دین است.^۴

این مسئله در قرآن کریم به این صورت امر شده است:

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛^۵ باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آن‌ها همان رستگارانند.

در روایات نیز تاکید شده است که امر به معروف و نهی از منکر جزو بالاترین و شریف‌ترین فرائض اسلام است که سایر فرائض به وسیله آن دو اقامه می‌شود؛^۶ بلکه به ضروری دین بودن این دو تصریح شده است.^۷

۱. محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۸، ص. ۷۶.

۲. طباطبایی حائری، ۱۴۱۸، ج ۸، ص. ۱۶۵.

۳. ر. ک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص. ۳۵۸؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص. ۳۵۰.

۴. ر. ک: شریف مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۱، صص. ۱۶۶-۱۶۵.

۵. آل عمران، ۱۰۴.

۶. ر. ک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص. ۱۱۹، ح ۶؛ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص. ۱۸۰، ح ۲۱.

۷. ر. ک: امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۴۶۲.

بنابراین- در خصوص ادله وجوب امر به معروف و نهی از منکر- فقها به آیاتی از قرآن کریم^۱ و روایات شریف^۲ استدلال کرده‌اند؛ هم‌چنین به ادله عقلی- مانند قاعده لطف،^۳ لزوم شکر منعم و تقویت دین^۴ و منع از تحقق معصیت مولی^۵- تمسک داشته‌اند که با توجه به مسلم و اجماعی بودن این حکم^۶ از بحث پیرامون ادله بسیار آن منصرف شده و به تطبیق بحث پرداخته می‌شود.

تطبیق بحث

با توجه به این‌که صفحات وب، تلویزیون‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی مجازی که با هدف آموزش‌های ضد دینی فعالیت می‌کنند، مصداق منکر به حساب می‌آیند، به دلیل نهی از منکر بر منع دسترسی و فیلتر این صفحات استدلال می‌شود تا با این وسیله جلوی گمراه کردن گرفته شود؛ چرا که «إِنَّ دَفْعَ الْإِضْلَالِ النَّاسِ مِنَ الْأُمُورِ الَّتِي يَهْتَمُّ بِهَا الشَّارِعُ الْأَقْدَسُ»،^۷ البته این‌که منکر و فاسد بودن چه معنایی دارد، تحقیق مستقلی می‌طلبد.

-
۱. ر. ک: آل عمران، ۱۱۰ و ۱۰۴.
 ۲. ر. ک: طوسی، ۱۳۷۵، ص. ۱۴۷؛ مفید، ۱۴۱۰، ص. ۸۰۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ (ب)، ج ۴، ص. ۴۵۸؛ عمیدی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص. ۳۶۷؛ فخر المحققین حلی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص. ۳۹۸؛ قطب راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص. ۳۵۸؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص. ۱۸۷؛ اسدی حلی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص. ۳۲۲؛ اردبیلی، بی‌تا، ص. ۳۲۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص. ۳۵۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، صص. ۱۲۶-۱۱۷، ح ۱-۲۵.
 ۳. ر. ک: طوسی، ۱۳۷۵، ص. ۱۴۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ (ب)، ج ۴، ص. ۴۵۷.
 ۴. ر. ک: کاشف الغطاء نجفی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص. ۴۲۶.
 ۵. ر. ک: امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، صص. ۲۰۴-۲۰۳.
 ۶. ر. ک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص. ۳۵۸؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص. ۳۵۰؛ شریف مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۱، صص. ۱۶۶-۱۶۵؛ امام خمینی، بی‌تا: ج ۱، ص. ۴۶۲.
 ۷. امام خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص. ۲۰۱.

مطلب دیگر این‌که در صورتی می‌توان از دلیل نهی از منکر برای وجوب فیلتر استفاده کرد که اولاً علاوه بر نهی از منکر زبانی، نهی از منکر عملی نیز ثابت شده باشد که در جای خود ثابت شده است؛^۱ ثانیاً وجوب نهی از منکر به مرحله عملی رسیده باشد، چرا که انجام فیلتر مستلزم منع عملی و قطع دسترسی از اطلاعات و داده‌ها در صفحات وب و شبکه‌ها است.

بر این اساس، فیلتر کردن مصداق مرتبه عملی نهی از منکر به حساب می‌آید؛ لذا لازم است ناهی از منکر، مراحل قلبی و زبانی را پشت سر گذاشته باشد و پس از عدم حصول نتیجه در رفع منکر اقدام به فیلتر و مسدود کردن صفحات وب، تلویزیون‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی نماید.

توجه به این نکته که در فیلتر، اطلاعاتی از بین نمی‌رود بلکه تنها از دسترسی به اطلاعات و داده‌ها جلوگیری می‌شود، تفاوت موضوع فیلتر را با حسم و از بین بردن منکر روشن می‌نماید؛ چه این‌که فیلتر کردن، حسم منکر را در پی ندارد.

بنابراین - بر فرض پذیرش عدم وجوب حسم منکر یا حتی حرمت آن - آسیبی به استفاده از ادله وجوب نهی از منکر در خصوص موضوع فیلتر وارد نمی‌شود؛ هر چند فیلتر کردن مستلزم انجام عمل منع دسترسی به اطلاعات و داده‌ها باشد، چرا که در فیلتر، اطلاعاتی از بین نمی‌رود؛ لذا ادله وجوب نهی از منکر در مرتبه عمل - برای این دلالت - و مسدود کردن دسترسی به اطلاعات و داده‌ها کافی است.

۱. ر. ک: محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص. ۳۱۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص. ۲۴۱؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ص. ۶۱؛ فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۲، ص. ۵۷؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص. ۳۷۷.

بیان این نکته لازم است که اگر فیلتر کردن در فروضی مانند ایجاد پارازیت مضر موجب جراحت یا قتل باشد، طبق مشهور فقها^۱ نیازمند اذن امام است که در ادامه- در فرع اجازه حاکم- به آن پرداخته می‌شود.

از طرف دیگر، همه فقها متفقند برای وجوب نهی از منکر شروطی وجود دارد^۲ که بنابر اختلاف نظر فقها بدون این شرایط، اصل وجوب محقق نمی‌شود؛ شروطی مانند استطاعت برای حج که تحصیل آن نیز واجب نیست. برخی دیگر از شرایط نیز شرط واجب به حساب آمده که انجام آن‌ها ضروری است.^۳

از لحاظ تعداد شروط نیز برخی فقها- از جمله امام خمینی- چهار شرط بیان کرده و برخی دیگر تا چهارده شرط تفصیل داده‌اند؛^۴ لذا اگر برای حکم وجوب فیلتر و منع دیگران از دلیل «نهی از منکر» استفاده شود، تنها با وجود آن شرایط خواهد بود؛ از جمله این شروط می‌توان به شرط علم و یقین داشتن به منکر اشاره کرد که مورد اتفاق فقها قرار گرفته است.^۵

در نتیجه این شرط که بحث‌های مفصل آن در آثار فقهی- استدلالی آمده است، اگر علم و یقین به منکر بودن عملی نباشد، نهی از منکر واجب نخواهد بود؛

۱. ر. ک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص. ۳۸۳.

۲. ر. ک: شریف مرتضی، ۱۳۸۷، ص. ۳۹؛ طوسی، ۱۳۷۵، ص. ۱۴۸؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص. ۳۶۶؛ کاشف الغطاء نجفی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص. ۴۲۹؛ امام خمینی، بی تا، ج ۱، ص. ۴۶۵.

۳. ر. ک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص. ۳۶۶؛ امام خمینی، همان.

۴. ر. ک: کاشف الغطاء نجفی، همان.

۵. ر. ک: حلی، ۱۴۰۳، ص. ۲۶۵؛ طوسی، ۱۳۷۵، ص. ۱۴۸؛ محقق حلی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص. ۱۱۵؛ ۱۴۰۸، ج ۱، ص. ۳۱۱؛ علامه حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص. ۳۵۲؛ همان، ۱۴۲۰، ج ۲، ص. ۲۴۰؛ همان، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص. ۲۳۸؛ شهید اول، ۱۴۱۴، ص. ۶۰؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص. ۵۳۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص. ۳۶۶؛ ابن ابی‌المجدلی، ۱۴۱۴، ص. ۱۴۶؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸، ص. ۱۴۶؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص. ۲۳؛ حلی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص. ۳۱۴؛ قعقانی، ۱۴۱۸، ص. ۱۰۳؛ محقق کرکی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص. ۶۳؛ کاشف الغطاء نجفی، همان.

بنابراین اگر علم و یقین به منکر بودن و ضاله بودن پایگاه آموزشی نباشد و احتمال استفاده مثبتی مانند تحقیق و پژوهش باشد، نمی‌توان گفت فیلتر کردن واجب است؛ بلکه ممکن است طبق حکم اولیه فیلتر، حرمت را محکم دانست.

هم‌چنین شرط دیگر، عدم ضرر نهی از منکر بر دیگران است که به‌طور کلی مورد پذیرش فقها قرار گرفته است؛^۱ در نتیجه این شرط، اگر انجام نهی از منکر موجب ضرری بر دیگران باشد، واجب نخواهد بود؛ پس در فروضی که در فیلتر مضر و خطرات پارازیت مطرح شده است،^۲ شاید بتوان نتیجه گرفت نهی از منکر و فیلتر کردن واجب نیست؛ البته در این خصوص و برای بحث‌های مفصل آن و نیز لزوم مراعات اهم و مهم به آثار فقهی - استدلالی مربوطه ارجاع داده می‌شود.

۱. ر. ک: علامه حلی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص. ۳۵۲؛ همان، ۱۴۱۱، ص. ۹۰؛ همان، ۱۴۱۴، ج ۹، ص. همان، ۱۴۱۳ (الف: ج ۱، ص. ۵۲۵؛ همان، ۱۴۲۰، ج ۲، ص. ۲۴۱؛ همان، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص. ۲۳۹؛ فخر المحققین حلی، ۱۴۱۱، ج ۲، ص. ۸۴؛ شهید اول، ۱۴۱۷، ج ۲، ص. ۴۷؛ همان، ۱۴۰۰، ج ۲، ص. ۲۰۱؛ محقق اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۷، ص. ۵۳۹؛ فیض کاشانی، بی‌تا: ج ۲، ص. ۵۵؛ بحرانی، ۱۴۲۱، ص. ۴۱۵؛ کاشف الغطاء نجفی، ۱۴۲۲، ج ۴، ص. ۴۲۹؛ ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶، ج ۱، ص. ۳۴۱؛ ابن ابی‌المجد حلبی، ۱۴۱۴، ص. ۱۴۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۱، ص. ۳۱۱؛ سیوری حلی، ۱۴۰۳، ص. ۲۶۴؛ حلی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص. ۳۱۴؛ فقہانی، ۱۴۱۸، ص. ۱۰۳؛ محقق کرکی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص. ۶۳؛ میرزای قمی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص. ۴۱۷؛ مفید، ۱۴۱۰، ص. ۸۰۹؛ طوسی، ۱۳۷۵، ص. ۱۴۹؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، ص. ۳۷۱؛ امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۴۷۲؛ ابن حمزه طوسی، ۱۴۰۸، ص. ۲۰۷؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص. ۲۳؛ حلی، ۱۴۰۵، ص. ۲۴۲؛ خویی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص. ۳۵۲.

۲. صارمی، <http://www.tabnak.ir/fa/news/275401>

- در نتیجه تطبیق بحث فیلتر کردن-صغری-بر ادله نهی از منکر-کبری-منتج به دو مورد زیر است:
۱. صفحات وب، تلویزیون‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی که با هدف آموزش‌های ضد دینی فعالیت می‌کنند، مصداق فاسد و منکر هستند؛ لذا استفاده و دسترسی به آن‌ها نیز منکر خواهد بود مگر در مواردی مانند تحقیق و پژوهش؛
 ۲. فیلتر کردن این صفحات و شبکه‌های فاسد و منکر از مصداق جلوگیری از فساد و همان نهی از منکر است که با توجه به آن‌چه بیان شد، واجب است.

فرعی در لزوم اجازه حاکم

از مجموعه مباحثی که فقها در باب نهی از منکر مطرح کرده‌اند- به‌ویژه صاحب جواهر که مفصل‌تر به آن پرداخته است^۱- می‌توان چنین نتیجه گرفت که اگر نهی از منکر موجب جراحت در مرتکب شود و یا به‌طور کلی اموری که موجب ضمان در مال و یا جان شخص مرتکب منکر می‌شوند، نیازمند اذن حاکم شرع است.^۲

در این میان بعضی فقها- مانند شیخ طوسی- این نظر را به مشایخ شیعه نسبت می‌دهند^۳ و برخی را مشهور^۴ و یا اشهر^۵ بیان کرده‌اند؛ حتی طبق نظر امام خمینی- در مراتب پایین‌تر- و در موردی که عمل فیزیکی نهی از منکر یا امر به معروف موجب ایجاد درد در مرتکب شود، بدون آن‌که موجب دیه باشد گرفتن اذن حاکم سزاوار است.^۶

۱. ر. ک: نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، صص. ۳۸۶-۳۸۰.

۲. ر. ک: مفید، ۱۴۱۰، صص. ۸۱۰-۸۰۹؛ سلار دیلمی، ۱۴۱۴، ص. ۲۶۳؛ جزایری، بی‌تا، ص. ۲۰۲؛ امام خمینی، بی‌تا: ج ۱، ص. ۴۸۱.

۳. ر. ک: طوسی، ۱۳۷۵، صص. ۱۵۰-۱۴۹.

۴. ر. ک: بحرانی، ۱۴۲۱، صص. ۴۱۷-۴۱۶.

۵. ر. ک: شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳، صص. ۱۰۵-۱۰۴.

۶. ر. ک: امام خمینی، همان، صص. ۴۸۱-۴۸۰؛ جهت ملاحظه دیدگاه مخالفین، ر. ک: کاشف الغطاء نجفی،

۱۴۲۲، ج ۱، ص. ۳۲۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۱، صص. ۳۸۲-۳۸۰.

هم‌چنین برخی معتقدند امر به معروف و نهی از منکر از طریق قتل مرتکب درست نیست؛ چون با فوت مرتکب سالبه به انتفاء موضوع خواهد شد، چرا که هدف نهی از منکر آن است که مرتکب، منکر را انجام ندهد و با مرگ مرتکب، دیگر کسی نیست که بخواهیم او را نهی از منکر نماییم.^۱

در مورد ضمان مالی نیز تصریح شده است که -صرفاً- آن‌چه منکر است باید از بین رود؛ لذا اگر در حین نهی از منکر مال محترمی تلف شود، آمر در خصوص آن ضمان دارد؛ به‌طور مثال تصریح شده است اگر به‌جای دور ریختن شراب ظرف محتوی آن شکسته شود، از آن‌جا که ظرف مال محترم است آمر نسبت به آن ضمان دارد.^۲

علاوه بر ضمان اتلاف مال عامل منکر، امام خمینی تصرف در اموال عامل را منوط به اذن حاکم می‌داند؛^۳ حتی گفته شده هر عملی از سوی ناهی از منکر که جنبه الزام و اجبار فیزیکی دارد، محتاج به اذن حاکم است.^۴

نتیجه این‌که اگر امر به معروف و نهی از منکر بخواهد از طریق اعمالی انجام شود که در حالت عادی ضمان‌آور هستند -مانند از بین بردن مال، جرح و یا قتل- نیازمند اجازه حاکم است که در زمان غیبت، فقهای جامع شرایط فتوی و قضا هستند؛^۵ هم‌چنین طبق بیان شهید ثانی، مرجع تشخیص محترم بودن مال و یا ضرورت اتلاف آن بر اساس صلاحیت عام‌رسیدگی به دعاوی توسط امام معصوم، قاضی صلاحیت‌دار -یعنی امام معصوم و یا نائب ایشان- است.^۶

۱. ر. ک: جزایری، بی‌تا، ص. ۲۰۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۳، صص. ۱۰۵-۱۰۴.

۲. ر. ک: امام خمینی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۴۸۰.

۳. ر. ک: همان.

۴. ر. ک: تجلیل تبریزی، ۱۴۲۱، صص. ۳۷۹-۳۷۸.

۵. ر. ک: امام خمینی، همان، صص. ۴۸۳-۴۸۰؛ سلار دیلمی، ۱۴۱۴، صص. ۲۶۴-۲۶۳.

۶. ر. ک: شهید ثانی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص. ۶۱.

بنابراین نهی از منکر و فیلتر صفحات اینترنتی، تلویزیون‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی که باعث خسارت در مال یا نفوس گردد- به‌ویژه در فروشی که ایجاد پارازیت ضرر معتناهی بر چنین داشته باشد^۱- هر چند که با هدف آموزش‌های ضد دینی فعالیت می‌کنند، لازم است به حکم حاکم شرع صورت پذیرد.

نتیجه‌گیری

با دقت در آنچه از ادله حرمت فیلترینگ- مانند حرمت ایذاء مؤمن، حرمت ظلم و تجاوز به حقوق دیگران، نفی سلطه انسان بر دیگری، دلیل وجوب فیلتر، منع دیگران از حرمت حفظ کتب ضاله و امر به معروف و نهی از منکر- گذشت، می‌توان نتیجه گرفت:

۱. حرمت منع دسترسی دیگران به صفحات وب، تلویزیون‌ها و شبکه‌های

اجتماعی مجازی؛

۲. دلیل حرمت حفظ کتب ضاله، ممکن است صرفاً متکلف تبیین منکر بودن

این پایگاه‌ها باشد نه لزوم فیلتر و مسدودکردن آن‌ها؛

۳. امکان بهره‌مندی از دلیل وجوب نهی از منکر برای حکم به وجوب فیلتر

صفحات وب، تلویزیون‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی که با هدف

آموزش‌های ضد دینی فعالیت می‌کنند و مصداق ضاله و منکر هستند؛

۴. نیازمندی به اذن حاکم شرع برای فیلتر صفحات وب، تلویزیون‌ها و

شبکه‌های اجتماعی مجازی ضاله و منکر در صورتی که مستلزم ضرر

جانی و مالی و یا حتی تصرف در اموال باشد که معمولاً اینگونه است.

۱. صارمی، <http://www.tabnak.ir/fa/news/275401>

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اسدی حلی، جمال‌الدین احمد بن محمد؛ (۱۴۰۷). المذهب البارع في شرح المختصر النافع. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. اردبیلی، احمد بن محمد؛ (بی‌تا)، زیادة البیان في أحكام القرآن. تهران: المكتبة الجعفرية لإحياء الآثار الجعفرية.
۴. همان؛ (۱۴۰۳). مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور؛ (۱۴۱۰). السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى. چاپ ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. ابن براج طرابلسی، قاضی عبدالعزیز؛ (۱۴۰۶). المذهب. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۷. ابن حمزه طوسی، محمد بن علی؛ (۱۴۰۸). الوسيلة إلى نيل الفضيلة. قم: انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.
۸. ابن شهر آشوب مازندرانی، رشیدالدین محمد بن علی؛ (۱۳۶۹). متشابه القرآن ومختلفه: بیان مشکلات من الآيات المتشابهات. قم: دار البیدار للنشر.
۹. امام خمینی، سید روح الله؛ (بی‌تا)، تحرير الوسيلة. قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۱۰. همان؛ (۱۴۱۵). المكاسب المحرمة. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۱. بحرانی (آل عصفور)، حسین بن محمد؛ (۱۴۲۱). سداد العباد و رشاد العباد. قم: کتابفروشی محلاتی.
۱۲. تجلیل تبریزی، ابوطالب؛ (۱۴۲۱). التعليقة الإستدلالية على تحرير الوسيلة. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. جزایری، عبدالله بن نورالدین؛ (بی‌تا). تحفة السنية في شرح نخبه المحسنة. بی‌نا. بی‌جا.
۱۴. حر عاملی، محمد بن حسن؛ (۱۴۰۹). تفصيل وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۱۵. حلی، ابن ابی‌المجد؛ (۱۴۱۴). إشارة السبق إلى معرفة الحق. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۶. حلی، ابوالصلاح قلی الدین؛ (۱۴۰۳). **الکافي في الفقه** اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۱۷. حلی، شمس الدین محمد بن شجاع القطان؛ (۱۴۲۴). **معالم الدین في فقه آل یاسین** (دوره فقهیه کامله علی وفق مذهب الإمامیه). قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۸. حلی، یحیی بن سعید؛ (۱۴۰۵). **الجامع للشرائع**. قم: مؤسسه سیدالشهداء العلمیه.
۱۹. خویی، سید ابوالقاسم؛ (۱۴۱۰). **منهاج الصالحین**. چاپ ۲۸. قم: نشر مدینه العلم.
۲۰. سلار دیلمی، حمزه بن عبدالعزیز؛ (۱۴۱۴). **المراسم العلویه فی الأحکام النبویه**. قم: المعاونه الثقافیه للمجمع العالمی لأهل البيت.
۲۱. سیوری حلی، مقداد بن عبدالله؛ (۱۴۰۳). **نضد القواعد الفقهيّة علی مذهب الإمامیه**. قم: انتشارات کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۲۲. شریف مرتضی، علی بن حسین؛ (۱۳۸۷). **جمل العلم والعمل**. نجف: مطبعة الآداب.
۲۳. همان؛ (۱۴۰۵). **رسائل الشریف المرتضی**. قم: دارالقرآن الکریم.
۲۴. شهید اول، محمد بن مکی عاملی؛ (۱۴۱۷). **الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه**. چاپ ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. همان؛ (۱۴۰۰). **القواعد والفوائد**. قم: کتابفروشی مفید.
۲۶. همان؛ (۱۴۱۴). **غایة المراد فی شرح نکت الإرشاد**. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۷. شهید ثانی، زین الدین بن علی عاملی؛ (۱۴۱۰). **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشى کلانتر)**. قم: کتابفروشی داوری.
۲۸. همان؛ (۱۴۱۳). **مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام**. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۲۹. صارمی، ابوبالاب؛ <http://www.tabnak.ir/fa/news/275401>
۳۰. صافی گلپایگانی، لطف الله؛ (۱۴۱۶). **هدایة العباد**. قم: دار القرآن الکریم.
۳۱. طباطبائی حائری، سید علی بن محمد؛ (۱۴۱۸). **ریاض المسائل فی تحقیق الأحکام باللائل**. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۲. طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن؛ (۱۴۰۷). **تهذیب الأحکام**. چاپ ۴. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

بررسی فقهی حکم آموزش های مجازی ضد دینی / ۱۰۷

۳۳. همان؛ (۱۳۷۵). الإقتصاد الهادي إلى طريق الرشاد. تهران: انتشارات کتابخانه جامع چهل ستون.
۳۴. علامه حلی، حسن بن یوسف؛ (۱۴۱۰). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۵. همان؛ (۱۴۱۱). تبصرة المتعلمين في أحكام الدين. تهران: مؤسسه چاپ و نشر.
۳۶. همان؛ (۱۴۱۴). تذكرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۳۷. همان؛ (۱۴۲۰). تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية. قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام.
۳۸. همان؛ (۱۴۱۳/الف). قواعد الأحكام في معرفة الحلال والحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۹. همان؛ (۱۴۱۳/ب). مختلف الشيعة في أحكام الشريعة. چاپ ۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۰. همان؛ (۱۴۱۲). منتهی المطلب في تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۴۱. عمیدی، سید عمیدالدین بن محمد؛ (۱۴۱۶). كنز الفوائد في حل مشكلات القواعد. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۲. فخر المحققین حلی، محمد بن حسن؛ (۱۴۱۱). الرسالة الفخرية في معرفة النية. مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۴۳. همان؛ (۱۳۸۷). إيضاح الفوائد في شرح مشكلات القواعد. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴۴. فقعی، علی بن علی بن محمد؛ (۱۴۱۸). الدر المنصود في معرفة صیغ النيات والإیقات والعقود: رسالة في العقود والإیقات. قم: مكتبة إمام العصر عليه السلام العلمية.
۴۵. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی؛ (بی تا). مفاتیح الشرائع. قم: انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.
۴۶. قطب راوندی، سعید بن هبة الله؛ (۱۴۰۵). فقه القرآن. چاپ ۲. قم: انتشارات کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.
۴۷. کاشف الغطاء نجفی، جعفر بن خضر؛ (۱۴۲۲). كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

۴۸. محب الرحمان، محمد مهدی؛ (۱۳۹۵)؛ بررسی مبانی فقهی فیلتر (صفحات وب، تلویزیون‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های اجتماعی مجازی). رساله سطح چهار دکتری. حوزه علمیه قم.
۴۹. محقق حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن؛ (۱۴۰۸). شرائع الإسلام في مسائل الحلال والحرام. چاپ ۲. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۵۰. همان. (۱۴۱۸). المختصر النافع في فقه الإمامية. چاپ ۶. قم: مؤسسة المطبوعات الدينية.
۵۱. محقق کرکی، علی بن حسین؛ (۱۴۰۹). رسائل المحقق الكرکی. قم: کتابخانه آية الله مرعشی نجفی.
۵۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان؛ (۱۴۱۰). المقتنعة. قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
۵۳. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن؛ (۱۴۱۳). جامع الشتات في أجوبة السؤالات. تهران: مؤسسه کیهان.
۵۴. نجفی، محمد حسن؛ (۱۴۰۴). جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام. چاپ ۷. بیروت: دار إحياء التراث العربی.